

سرشناسه:	بهرامی، قدرت‌الله. ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	نهضت آزادی / قدرت‌الله بهرامی؛ تهیه‌کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
مشخصات نشر:	قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۲۸۰ ص.
شابک:	۴-۱۱۳-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸-۴۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۲۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	نهضت آزادی ایران
موضوع:	حزب‌های سیاسی -- ایران
موضوع:	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
شناسه افزوده:	پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت
رده‌بندی کنگره:	۹۱۳۹۰ ب ۹ ن ۱۵۳۵ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۵۰۴۴۳۸

نهضت آزادی

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

www.ketab.ir

www.ketab.ir

نهضت
آزادی

نهضت آزادی

تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی •
نویسنده: قدرت الله بهرامی • ویراستار: جواد
احمدی • صفحه آرا: علی نصیرمحمدی • چاپ:
الهادی • نوبت چاپ: اول • تاریخ چاپ: پاییز
۱۳۹۰ • شمارگان: ۲۰۰۰ • قیمت: ۴۵۰۰ تومان
• شابک: ۴ - ۱۱۳ - ۲۴۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قم، خ شهید فاطمی (دور شهر)، نبش فاطمی ۳، پلاک ۸۱
تلفکس: ۷۷۳۰۷۲۵ - ۷۷۳۰۷۲۵ - ۰۲۵۱ • همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸ ۸۷

صندوق پستی: ۶۶۱۰ - ۳۷۱۸۸ F-mail: tooba@pofweb.net

فهرست مطالب

۹	مقدمه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۹	۱. هدف پژوهش
۱۰	۲. چرایی پردازش به احزاب و تشکلهای
۲۰	۳. روش و جهت گیری پژوهش
۲۳	مقدمه

فصل اول: کلیات

۲۵	معرفی اجمالی نهضت آزادی ایران
۲۹	قلمرو فعالیت و ارتباطات
۲۹	۱. ارتباطات داخلی
۳۰	۲. ارتباطات خارجی
۳۴	خط مشی کلی
۳۹	اهداف
۴۰	۱. از لحاظ سیاست داخلی
۴۱	۲. از لحاظ سیاست خارجی
۴۳	تشکیلات سازمانی نهضت آزادی
۴۳	نمودار سازمانی نهضت آزادی

۴۴	عضوگیری
۴۵	ویژگی‌های نهضت آزادی
۴۷	گروه‌ها و احزاب متمایل به نهضت آزادی
۴۷	الف. قبل از انقلاب اسلامی
۵۰	ب. بعد از انقلاب اسلامی

فصل دوم: تاریخچه و سیر تحولات درونی نهضت آزادی

۵۹	پیدایش و تأسیس
۶۳	علل شکل‌گیری نهضت آزادی
۶۴	الف. اختلاف در جبهه ملی
۶۴	ب. لزوم توجه بیشتر به عواطف و اعتقادات مذهبی مردم
۶۵	بنیان‌گذاران
۶۵	الف. مهندس مهدی بازرگان
۶۷	ب. آیت الله سید محمود طالقانی
۶۹	ج. دکتر یدالله سحابی
۷۰	آثار تأسیس نهضت آزادی
۷۰	الف. مثبت
۷۱	ب. منفی
۷۳	سیاست‌های داخلی و خارجی
۷۴	۱. سیاست‌های داخلی
۷۷	۲. سیاست خارجی
۷۹	تجدید حیات نهضت آزادی در سال‌های ۵۶-۵۷
۸۳	نهضت آزادی در زمان حاکمیت (۱۵ بهمن ۵۷ تا ۱۴ آبان ۵۸)
۹۰	اصول سیاست خارجی دولت بازرگان
۹۱	نهضت آزادی پس از سقوط دولت موقت تا دوم خرداد ۷۶
۹۵	نهضت آزادی پس از دوم خرداد ۷۶ تا کنون

فصل سوم: مبانی فکری نهضت آزادی

اسلام منهای روحانیت.....	۱۰۱
اعتقاد به آزادی.....	۱۰۸
اعتقاد به مصدق.....	۱۱۴
اعتقاد به اثبات دین از راه علوم تجربی (علم‌زدگی).....	۱۱۸
غرب‌گرایی.....	۱۲۶
عدم اعتقاد به اصل ولایت فقیه.....	۱۳۱
اعتقاد به دموکراسی.....	۱۳۸
اعتقاد به اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۱۴۳
التقاط اسلام با ناسیونالیسم و لیبرالیسم.....	۱۴۸

فصل چهارم: دیدگاه‌های نهضت آزادی

دیدگاه نهضت آزادی درباره امام خمینی.....	۱۵۷
دیدگاه نهضت آزادی درباره نظام جمهوری اسلامی.....	۱۶۱
دیدگاه نهضت آزادی درباره جبهه ملی.....	۱۶۹
دیدگاه نهضت آزادی درباره سلطنت.....	۱۷۶
دیدگاه نهضت آزادی در خصوص سازمان مجاهدین خلق (منافقین).....	۱۸۱
دیدگاه سازمان مجاهدین خلق درباره نهضت آزادی.....	۱۸۸
دیدگاه نهضت آزادی در خصوص آیت الله منتظری.....	۱۹۱
دیدگاه نهضت آزادی درباره آیت الله شریعتمداری.....	۱۹۹
دیدگاه نهضت آزادی درباره جنگ تحمیلی.....	۲۰۱
۱- از آغاز جنگ تا فتح خرمشهر.....	۲۰۲
۲- از فتح خرمشهر تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸.....	۲۰۳
۳- پس از پذیرش قطعنامه.....	۲۰۷
دیدگاه نهضت آزادی درباره رابطه با آمریکا.....	۲۰۸
الف- دیدگاه نهضت آزادی درباره آمریکا قبل از انقلاب.....	۲۱۰
ب- دیدگاه نهضت آزادی در خصوص آمریکا بعد از انقلاب اسلامی.....	۲۱۳

فصل پنجم: عملکرد نهضت آزادی

۲۲۱	۱. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی
۲۲۱	۱-۱. عملکرد سیاسی
۲۲۳	۱-۲. عملکرد ضد امنیت ملی
۲۲۶	۱-۳. عملکرد مذهبی
۲۳۰	۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی
۲۳۰	۲-۱. عملکرد سیاسی
۲۳۴	نهضت آزادی و همه‌پرسی جمهوری اسلامی
۲۳۶	عملکرد نهضت آزادی درباره مجلس خبرگان قانون اساسی
۲۳۸	نهضت آزادی و قانون اساسی
۲۴۲	نهضت آزادی و نهادهای اساسی
۲۴۲	۱- قوه قضائیه
۲۴۳	۲- شورای نگهبان
۲۴۳	۳- ریاست جمهوری
۲۴۶	۴- مجلس خبرگان رهبری
۲۴۶	۵- مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴۷	۲-۲. عملکرد دفاعی امنیتی
۲۵۳	عملکرد نهضت آزادی در خصوص جنگ
۲۵۷	ارتباط با بیگانگان
۲۶۱	۲-۳. عملکرد فرهنگی

فصل ششم: پایگاه اجتماعی نهضت آزادی

۲۶۷	ساختار طبقاتی نهضت آزادی
۲۶۹	اقتدار تشکیل دهنده نهضت آزادی
۲۷۳	نتیجه
۲۷۷	فهرست منابع

مقدمه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره: در واپسین سالهای دهه دوم از تاریخ انقلاب اسلامی ایران و در حین فراز و فرود جریانها و تشکلهای و احزاب سیاسی یا گرایشهای متفاوت در عرصه حاکمیت و چالشها و تضارب آراء و اندیشهها، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه بر آن شد تا پژوهشی پیرامون تشکلهای و احزاب تأثیرگذار در عرصه سیاسی به عمل آورد. در این کلام مقدماتی، به چرایی و چگونگی این پژوهش می‌پردازیم:

۱. هدف پژوهش

هدف تحقیق، شناسایی ماهیت فکری - سیاسی تعدادی از تشکلهای و احزاب سیاسی تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف حاکمیت و ارزیابی مواضع و عملکرد آنان در راستای اهداف و آرمانها و رسالت حاکمیت دینی و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این تحقیق از طریق بررسی دیدگاهها، مواضع و جهت‌گیریها و عملکرد آنان در سه دهه اخیر انقلاب و انطباق مواضع و عملکردها با شاخص‌ها و معیارهای دینی و ارزشی به منظور شناخت تشکلهای و احزاب و نقش آنان در تقویت و یا تضعیف حاکمیت دینی و نظام اسلامی و تفکیک گروههای همسو و همگرا با اصول و مبانی نظام دینی و حاکمیت اسلامی و رهبری به عنوان محور حکومت الهی از دیگر گروهها دنبال خواهد شد.

۲. چرایی پردازش به احزاب و تشکلهای

در پاسخ به چرایی بحث می توان به چند عامل اشاره کرد:

۲/۱. وجود جریانهای فکری معارض با اندیشه های دینی

در تاریخ معاصر ایران چهار جریان شاخص فکری وجود دارد و هر کدام دارای مبانی و گرایشات خاص خود هستند. این جریانهای فکری در شکل گیری احزاب و گروهها بسیار تأثیرگذار بوده اند. از همین رو جریان شناسی و جبهه شناسی این چهار جریان برای یک مسلمان و مؤمن که همواره در پی جریان حق و دستیابی به مصداق جبهه حزب الله و خط ولایت الهی می باشد بسیار ضروری است. در بین جریانهای فکری، اعتقادی و سیاسی متفاوت با گرایشات گوناگون، صراط مستقیم و جبهه حق و جریان حزب الله یکی است و دیگر جریانها و جبهه ها که منطبق با شاخص ها و معیارهای تعیین شده نباشند خارج از جبهه حق بوده، در مسیر انحرافی قرار دارند. آیات شریفه قرآن و کلمات معصومین (ع) با اشاره به دسته بندی ها در جامعه و تبیین معیارها و شاخص های اهل حق، بر شناخت اهل زمان و انتخاب راه درست تأکید کرده اند. قرآن مجید، جریانهای موجود در جامعه آن روز را به مؤمنان، منافقان و کافران طیف بندی می کند و پیروزی و نجات را از آن جبهه مؤمنان می داند. در یک دسته بندی دیگر، جریانها را به السابقون «پیشگامان در جبهه صراط مستقیم» و جریان راست «اصحاب المیمنه» و جریان چپ «اصحاب المشمه» تقسیم بندی می کند. یک جبهه بندی وسیع تر، جریانهای موجود را به «حزب الله» و «حزب الشیطان» تقسیم می نماید. و با تعیین معیارها و شاخص ها برای هر یک، پیروزی و حاکمیت قطعی را از آن جبهه حزب الله می داند، و در دو بیان می فرماید: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ».

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در ترسیم چشم انداز دسته بندی ها و هشدار و هدایت مردم در جهت دستیابی به جبهه حق می فرماید:

إِفْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ افْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً.^۱

جامعه تحت حاکمیت حضرت موسی پس از رحلت رهبرشان به هفتاد و یک فرقه، جامعه عیسی پس از او به هفتاد و دو گروه و امت من پس از من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند که تنها یک فرقه و گروه آن اهل نجات و صراط مستقیم هست و بقیه در مسیر انحرافی قرار خواهند داشت.

در هر جامعه‌ای حسب شرایط و مقتضیات، جریانها و تشکلهای در دستبندی‌ها و طیف‌های مختلفی قرار می‌گیرند. در اینجا است که شناخت ماهیت جریانها و تشخیص جبهه حق از باطل و خوبی از غیر خودی در انتخاب راه درست حائز اهمیت می‌گردد. در بیانی امیرالمؤمنین (ع) به یکی از فرزنداناش می‌فرمایند: «یا بُنَّیْ لَا بُدَّ لِلْعَاقِلِ... انْ یَعْرِفَ أَهْلَ زَمَانِهِ»^۱.

به طور کلی در تاریخ معاصر ایران چهار جریان فکری مهم مطرح و با هم در رقابت بوده‌اند که به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

اول: جریان فکری دینی:

یکی از جریانهای مهم در تاریخ معاصر، جریان بیداری اسلامی و بازگشت به دین بوده است که معمولاً در یکصد سال اخیر با محوریت روحانیت و فقیهان بزرگ وارد عرصه‌های اجتماعی شده است. هدف سردمداران این جریان، همانا بیداری جامعه و احیای مکتب اسلام و در نهایت حاکمیت اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی بوده است. این جریان از مبارزات علمای بزرگ قبل از نهضت مشروطیت و مبارزه شیخ فضل‌الله نوری با جریان انحرافی در مشروطیت شروع می‌شود و با تأکید بر اسلامیت حرکت نهضت ملی ایران و نقش آیت‌الله کاشانی در برابر جریان ملی‌گرایی و تأکید بر اسلامیت حرکت و نقش حضرت امام (ره) در رهبری جریان فکری دین‌مداری در جامعه و در نهایت پیروزی و حاکمیت اسلام و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌یابد. این جریان با تکیه بر حقیقت اسلام مبتنی بر قرآن و سیره و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین و بدون هیچ‌گونه وابستگی فکری به جریان‌های انحرافی لیبرالیسم و سوسیالیسم در صدد ترویج و اجرای جامعیت اسلام بوده است.

۱. امامی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۴۶.

دوم: جریان فکری ناسیونالیسم و ملی‌گرایی:

دیگر از جریانهای فکری در تاریخ معاصر ایران، جریان ناسیونالیسم و ملی‌گرایی با تکیه بر عناصر ملیت، ایرانیت، و اتکا به ارزشها، آداب و رسوم باستانی در ادوار گذشته تاریخ است. عناصر مؤلفه‌های ناسیونالیسم، اصالت دادن به ملیت در برابر اصالت الله، وطن پرستی ستایش و قداست برای خاک، نژاد، زبان و تاریخ و به طور کلی باستان‌ستایی، بیگانه‌ستیزی و تکیه بر سکولاریزم به عنوان ایدئولوژی می‌باشد. چنانچه ملی‌گرایی در چارچوب مؤلفه‌های فوق باشد و جهت‌گیری آن نسبت به اصالت، ملیت و ایرانیت، در برابر اصالت الله و به معنای نفی اعتقاد به اسلام و دارای ماهیت سکولاریستی و قرار دادن دین در قلمرو فردی باشد، قطعاً چنین جریان فکری ضد اسلام بوده و با اصول و مبانی دین سازگاری ندارد، اما اگر گرایشات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی و حفظ ارزشهای ملی و باستانی در چارچوب اصول و مبانی دینی و همراه با پذیرش اصول و ضروریات نظام اسلامی باشد، با استانداردهای دینی منافاتی نخواهد داشت. در نگرش دینی علاقه و حب به وطن و اهتمام به نژاد، ملت و یا سرزمین مورد توجه قرار گرفته است.

سوم: جریان فکری لیبرالیسم:

لیبرالیسم در غرب بر مبنای اصالت انسان به جای اصالت الله، تکیه بر آزادی فردی، اصالت لذت به جای اصالت کمال، دموکراسی و تأکید بر مشروعیت حکومت و قوانین شکل گرفته بر اساس رأی مردم، و نیز بر اساس سکولاریسم به معنای قرار دادن اعتقاد به خدا در قلمرو نیازهای فردی بنا شده است.

لیبرالیسم در ایران چنانچه منطبق با مؤلفه‌ها و عناصر لیبرالیسم غربی باشد و بر مبنای اصالت انسان و تفکیک دین از سیاست و نفی مشروعیت الهی حاکمیت و قوانین باشد قهراً خارج از چارچوب اصول و معیارهای دینی است، اما در صورتی که به گونه‌ای دیگر تعریف گردد که منطبق با اصول و مبانی نظام اعتقادی دینی باشد و لیبرالیسم و دموکراسی صرفاً به عنوان شیوه اداره حکومت در نظر گرفته شود، چنین نگاهی خارج از قانون اساسی نخواهد بود، چرا که قانون اساسی شیوه اداره کشور را بر مبنای دموکراسی و با روش مراجعه، آراء مردم تعیین نموده است. به هر حال پایبندی به هر یک از شاخصه‌های لیبرالیسم به معنای خروج از اصول و مبانی دینی است.

چهارم: جریان فکری مادی‌گری و مارکسیسم:

مارکسیسم بر مبنای اصالت ماده در برابر اصالت الله، نفی خدا و متافیزیک، ضدیت با دین و مذهب و تکیه صرفاً بر تجربه به عنوان تنها منبع شناخت و نفی مالکیت خصوصی و زیربنا بودن اقتصاد شکل گرفت و چنین تفکر و جریانی در ضدیت کامل با مبانی و اصول دینی است.^۶

جریانهای مارکسیست و مادی‌گرا در ایران و برخی دیگر کشورها نیز با تکیه بر مبانی و اصول مارکسیسم شکل گرفت، و توانست در دوره‌ای نه چندان طولانی جای پای برای خود باز کند. در هر حال هرگونه وابستگی به جریان فکری مارکسیستی خارج از اصول و مبانی دینی است.

جریانهای فکری مورد اشاره در شکل‌گیری احزاب و تشکلهای سیاسی و به تبع آن نفوذ در قدرت و حاکمیت در تاریخ معاصر نقش زیادی داشته‌اند، به ویژه پس از پیروزی انقلاب که دوران شکوفایی احزاب و گروههای سیاسی بود و وجود این تفکرات در تشکیل احزاب ایفای نقش می‌نمودند.

۲/۲. تفاوت مبانی فکری و عملکرد احزاب و تشکلهای

با بررسی تاریخ احزاب و تشکلهای سیاسی به دست می‌آید که در تاریخ متعاصر پیش از دویست و هشتاد حزب و گروه اعلام موجودیت کرده و به نوعی در عرصه سیاسی فعالیت داشته‌اند. تاریخچه احزاب و گروههای مزبور را می‌توان در چهار دوره زمانی ارزیابی کرد:

الف. احزاب و گروههای قبل از مشروطیت

ب. احزاب و گروهها از مشروطیت تا سقوط قاجار

ج. احزاب و گروهها پس از شهریور ۲۰ تا سقوط پهلوی دوم

د. احزاب و گروهها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اما مجموعه احزاب و تشکلهای سیاسی از نظر ایدئولوژی، در طیفهای چهارگانه زیر

دسته‌بندی می‌شود:

اول (احزاب و گروههای اسلامی:

منظور احزاب و تشکلهایی هستند که در طول صد سال اخیر برای استقرار حاکمیت دینی

تلاش و مبارزه کردند و بعد از حاکمیت دولت اسلامی برای استقرار و پاسداری از آن در عرصه‌های سیاسی فعال بوده‌اند.

دوم) احزاب و گروههای ملی‌گرا:

احزاب و گروههایی هستند که ملیت و ایرانیت و ملیت‌مداری و وطن‌گرایی را مبنای تفکر و فعالیت خود قرار داده‌اند. که بسیاری از این گروهها، دارای گرایشات لیبرالیستی و شاخص‌های تفکر لیبرالیسم هستند. اما خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول دارای گرایشات مذهبی، با تفکر سکولاریستی‌اند، مثل نهضت آزادی و انجمن حجتیه. دسته دوم گرایشات غیرمذهبی داشته، و در تقابل با حکومت دینی قرار می‌گیرند، همچون جبهه ملی و بسیاری از احزاب سلطنت‌طلب.

سوم) احزاب و گروههای مارکسیستی:

احزاب و گروههایی هستند که دارای مبانی مادی‌گری و متکی به شاخص‌های مارکسیسم بوده، آشکارا یا غیر آشکارا در تقابل با نظام دینی قرار گرفته فعالیت داشتند، همانند حزب توده یا فدائیان اکثریت و اقلیت. هرگونه هواداری و سمپاتی و همسویی با جریانهای مارکسیستی انحراف بوده و خارج از چارچوب دینی و اسلامی است.

چهارم) احزاب و تشکلهای التقاطی:

گروههایی هستند که از نظر ایدئولوژیک ریشه در دو یا چند مکتب دارند. این تشکلهای احزاب در ایران دارای ایدئولوژی با ترکیبی از اسلام و مکاتب وارداتی غربی یا شرقی هستند که در دو طیف قابل دسته‌بندی هستند.

الف. التقاط اسلام با لیبرالیسم:

گروهها و احزابی هستند که معتقدند اسلام دارای نظامی اعتقادی و عبادی است، اما جامعیت و نظام سیاسی و اقتصادی ندارد. اینان ضمن پذیرش اعتقاد دینی و عمل نسبی فردی، آموزه‌های لیبرالیستی را مبنای حرکت و فعالیتهای خود قرار داده‌اند. این تشکلهای احزاب دارای تفکر سکولاریستی و جدایی دین از سیاست هستند، حکومت دینی را قبول ندارند، معتقد به ولایت فقیه نیستند. این احزاب و گروهها وابسته به اندیشه‌های غربی و به جریانهای

ب. التقاط اسلام با مارکسیسم:

گروه‌ها و احزابی هستند که اعتقاد دینی را از اسلام گرفته و انجام برخی مناسک دینی و عبادی را پذیرفته‌اند، اما نظام سیاسی و اقتصادی را با الگوگیری از ایدئولوژی سوسیالیستی مبنای حرکت خود قرار داده‌اند و بسیاری از آیات و روایات را تفسیر سوسیالیستی نموده و ایدئولوژی خود را توجیه می‌کنند. همچون سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و جنبش مسلمانان مبارز و برخی از گروه‌های دیگر. وجه مشترک دو جریان التقاطی شناخت سطحی از اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی می‌باشد و بخاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی‌های غربی و یا شرقی افتاده‌اند.

۲/۳. تاثیر و نقش احزاب و تشکله‌ها در ساختار قدرت

در جامعه و نظام مبتنی بر دموکراسی و مردم سالاری، جریانهای فکری و تشکله‌ها و احزاب نقش بسیار مهمی را در ساختار قدرت چه در راستای اهداف و آرمانهای حاکمیت و قانون اساسی و یا انحراف از مسیر اصلی و استحاله نظام، ایفا می‌کنند. به طور خاص در یک نظام مکتبی و حکومت مبتنی بر دین و شریعت اسلام با محوریت و سیاستگذاری ولی فقیه، نقش احزاب و تشکله‌ها در استقرار و تحکیم مبانی دینی و یا انحراف از مسیر اصلی و جهت‌گیری به سمت ساختارشکنی، بسیار حساس‌تر و مهم‌تر است. تجربه دهه‌های گذشته و بروز ظهور جریانها و تشکله‌ها با گرایش‌ات لیبرالیستی و جهت‌گیری‌های سکولاریستی و ایجاد انحراف در حرکت حکومت دینی مبین این واقعیت می‌باشد. اصولاً دموکراسی شمشیر دودمی است که اگر دستگاهها و نهادها و آحاد مردمی پایبند به مبانی دینی، به الزامات آن توجه نداشته باشند جریانها و تشکلهای سیاسی می‌توانند زمینه چرخش را در حاکمیت دینی فراهم نمایند. این موضوع، به ویژه در نظام اسلامی که با توجه به عمق و گستره استکبار و کفرستیزی خود، با انبوهی از دشمنان و دسیسه‌های فراوان براندازی مواجه می‌باشد، نمود و اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲/۴. دین محوری حکومت

بر مبنای قرآن و آموزه‌های دینی، دین و آیین مقدس اسلام محور حکومت و اداره جامعه است. در عصر نبوت و امامت این محوریت محقق گردید و حکومت بر مبنای دین در

مقاطعی از تاریخ شکل گرفت. تداوم حکومت دینی بر پایه و مبنای قرآن و رهبری برتر در عصر غیبت مستلزم پیش‌بینی نهادها و ساختاری مناسب با شاخص‌ها و معیارهای عصر امامت می‌باشد تا با تکیه بر آن‌ها زمینه تداوم حاکمیت دینی فراهم گردد و جامعه از گمراهی و انحراف مصون بماند. بر این اساس در بیان معصومین شاخص‌های رهبری برای اداره جامعه مدنظر قرار گرفته است. در توقیع امام عصر (عج) در پاسخ به اسحاق بن یعقوب آمده: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدَّثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»؛ در حوادثی که رخ می‌دهد به روایان حدیث ما (فقهای عادل) رجوع کنید. آنها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم. در این بیان و دیگر احادیث با تکیه بر اجتهاد و عدالت، فقیه عادل را محور جریان و جبهه حق در تداوم جریان امامت مطرح می‌کند. از این رو قبل از بیان معیارهای جریان اسلامی در عصر غیبت، بیان چند نکته ضروری است:

- عصر غیبت، دوران نیابت علامه است و شاخص‌های فقیه عادل در لسان ائمه بیان شده و انتخاب آن بر عهده مردم با واسطه خبرگان خواهد بود، چه به صورت سنتی در دوره‌های گذشته و یا به صورت سیستم و توسط مجلس خبرگان در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.

- دوران فقاهاست به دو بخش تقسیم می‌شود: دوره‌ای که حاکمیت در دست فقیه عادل نمی‌باشد و دوره‌ای که فقیه ميسوط الید زمام قدرت را در دست دارد که شرایط جبهه و جریان اسلامی در دو دوره قدری متفاوت است.

- در عصر غیبت با توجه به دسترس بودن قرآن و فرهنگ غنی اهل بیت عصمت و طهارت و شرایط عصر نیابت، در رهبری دو شرط اساسی عصمت و علم غیب، به مصونیت جدا کثری یعنی عدالت واقعی و اجتهاد در جهت استنباط مقررات و احکام الهی از قرآن، سنت، اجماع و عقل تبدیل می‌شود. و دو عنصر اجتهاد و عدالت در ولی فقیه در عصر غیبت کفایت می‌کند.

- اگر چه شرائط، شئون و مراتب ولایت در دو عصر امامت و غیبت متفاوت است، اما اختیارات و قدرت ولایت فقیه عادل در اداره حکومت و تبیین مقررات و قوانین و احکام

الهی و امور حسبیه و اعمال و اجرای مقررات شرع مقدس، همانند ائمه است. همینطور میزان تبعیت از ولی فقیه با میزان تبعیت و اطاعت امام معصوم و یا پیامبر (ص) تفاوتی ندارد. با توجه به توضیحات فوق به برخی شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت اشاره می‌شود:

شاخص‌های جبهه اسلامی در عصر غیبت

۱. اعتقاد به ولایت مطلقه ائمه معصومین (ع) در امور تکوینی و تشریعی به عنوان مدیران و رهبران عالی جامعه پس از پیامبر اعظم (ص).

تداوم جامعه توحیدی عصر نبوی با شاخص‌ها و معیارهای آن، مستلزم تداوم رهبری پس از پیامبر با همان شاخص‌هایی است که در پیامبر بود.

حضرت علی علیه السلام در آغاز خلافت سومین خلیفه، برای اثبات خلافت خود، این چنین به حدیث غدیر استدلال نمود: پیامبر درباره من فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَى مَوْلَاً». سلمان از رسول خدا (ص) پرسید منظور از این ولایت چیست؟ در پاسخ فرمود: «وَلَاةُ كَوَلَايَ، مَنْ كُنْتُ أَوَّلِي بِهِ مِنْ نَفْسِي». منظور از ولایت، ولایتی همچون ولایت من است که من به خود مؤمنان از خودشان اولی هستم و از جان آن‌ها بر آنان برتری دارم.

۲. اعتقاد به پیوستگی دوران فقاہت با عصر امامت: دوران غیبت در حقیقت واسطه‌ای است بین عصر امام عسکری و دوره جهانی شدن اسلام به رهبری امام عصر (عج). به بیان دیگر در دوره غیبت زمام امور مردم به عهده فقهای عادل است به ویژه در زمان حاکمیت ولی فقیه که نیابت عام از امام عصر خواهد داشت. همانطور که در بیان حضرت مهدی (عج) آمده «فانهم حجتي عليكم» همانند امامان فقها حجت بر شما هستند معنی و مفهوم آن پیوستگی بین این دو دوره می‌باشد.

۳. اعتقاد به نصب توصیفی فقها از ناحیه ائمه معصومین (ع)، در کنار نصب تنصیصی ائمه توسط پیامبر و یا امام قبل از او. در روایات منقول از ائمه (ع) خصوصیات فقهاء در عصر غیبت که عهده‌دار ولایت هستند بیان شده که از جمله آنها روایتی است از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا»^۱.

۱. الغدير، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹.

هر کس در میان شما که حدیث ما را روایت کند و حلال و حرام ما را بررسی و احکام ما را بشناسد باید حاکم و داور بودن او را بپذیرید. همانا من او را رهبر و حاکم شما قرار دادم.

۴. اعتقاد به ولایت فقیه در عصر غیبت: در مقابل کسانی که ولایت را محدود به وظائف مذکور در قانون اساسی می دانند و یا محدود در امور حسبه می دانند، حضرت امام (ره) می فرماید: «فَلِلْفَقِيهِ الْعَادِلِ جَمِيعُ مَا لِلرَّسُولِ وَالْاِئِمَّةِ (ع) يَمَّا يَرْجِعُ إِلَى الْحُكُومَةِ وَالسِّيَاسَةِ»؛^۱ فقیه عادل در مورد حکومت و سیاست دارای همه آن اختیاراتی است که پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) داشتند.

۵. اعتقاد به وجود حکومت و نظام سیاسی و دیگر نظامها برای اسلام: در مقابل جریانها و گروههایی که معتقدند اسلام نظام حکومتی و سیاسی و یا نظام اقتصادی ندارد، جای جای قرآن و روایات و سیره و سنت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) مبین این است که اسلام دارای حکومت و نظام سیاسی و اقتصادی است و اصولاً بدون حکومت امکان اجرای احکام و مقررات اسلامی وجود ندارد.

قرآن می گوید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) بعثت پیامبران همراه با کتاب و میزان به منظور قیام مردم به قسط و عدل، مبین شاکیه حکومتی مکتب اسلام است.

۶. اعتقاد به جامعیت دین و پیوستگی بین دین و سیاست: جامعیت دین اسلام و پیوستگی بین دین و سیاست از ضروریات قطعی است. در مقابل، تفکر سکولاریستی و جریانهایی بر این باورند که دین جزو ملزومات فردی است و جنبه عبادی دارد و از همین رو نباید در قلمرو حکومت دخالت داشته باشد. در حالی که آموزه های دینی خلاف این را اثبات می کند. امام باقر (ع) می فرماید: دین ده جزء دارد که یک جزء آن عبادت است و اجزاء دیگر مربوط به دیگر شئون جامعه است. حضرت امام (ره) می فرماید: «فَرَنَّا تَوْهَمَ أَنَّ الدِّينَ مُتَفَكِّ عَنْ السِّيَاسَةِ فَهُوَ جَاهِلٌ لَمْ يَعْرِفِ الْإِسْلَامَ وَلَا السِّيَاسَةَ»؛^۲ یعنی آن کسی که خیال کند دین از سیاست جدا است، او ناآگاهی است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را.

۱. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴.

۷. اعتقاد به مشروعیت الهی رهبری و قوانین: در نگرش دینی، حاکم علی الاطلاق ذات باری تعالی است. هم او حق حکومت و وضع مقررات و قوانین را دارد، لذا بعثت پیامبران برای اداره امور جامعه از ناحیه خداوند است و واضح قوانین و مقررات هم ذات باری تعالی و یا کسانی اند که ظرفیت و شرایط را داشته باشند و از طرف خدا مأذون به وضع مقررات و احکام باشند؛ در برابر جریانهایی که مشروعیت حکومت و مقررات را مبتنی بر رأی اکثریت مردم می‌دانند.

۸. اعتقاد به نقش مردم در فعلیت بخشیدن به حکومت دینی و ولایت فقیه: اگر نظام اسلامی را به یک مثلث تشبیه کنیم، یک ضلع آن را رهبری دینی و ضلع دیگر را قرآن و قوانین و احکام اسلام به شمار آوریم، به طور قطع مردم ضلع سوم و قاعده آن هستند که زمینه‌ساز حاکمیت رهبری و اجرای قوانین خواهند بود و مفهوم مردم‌سالاری دینی هم این است. بنابراین مردم حق انتخاب دارند و اگر منتخب آنان با منتخب ذات باری تعالی منطبق باشد آن جامعه و حکومت الهی خواهد بود.

۹. اعتقاد و التزام به اصول و مبانی نظام اسلامی: حکومت دینی و نظام اسلامی در عصر ما اصول و ضروریاتی دارد که اعتقاد و التزام به آنها از شاخص‌های یک جریان اسلامی است این اصول و ضروریات عبارتند از ولایت فقیه، قانون اساسی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و امثال اینها که نماد اسلامیت و جمهوریت نظام به شمار می‌آیند.

۱۰. همگرایی و تبعیت کامل از ولی فقیه: در نظام دینی، محور نظام رهبری است، چه پیامبر یا امام معصوم باشد و یا ولی فقیه. همسویی و همگرایی با محوریت نظام و تبعیت شرط اساسی اسلامی بودن یک جریان است. در روایتی آمده: «لَا يَكُونُ الْفِيْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ الْاِيْمَةَ كُلَّهُمْ وَ اِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرْدُّ اِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ»؛ بنده خدا مؤمن نخواهد شد مگر اینکه خدا و رسول خدا را بشناسد، ائمه را به تمامه بشناسد و امام زمانش را هم بشناسد و در امور به او مراجعه کند و تسلیم او باشد. تبعیت از ولی فقیه در زمان غیبت، خود بهترین فرمانبری از امام زمان (عج) خواهد بود.

۱۱. پرهیز از همگرایی و همکاری و همسویی با جریانهای غیر خودی و معارض با

حکومت دینی: در نظام الهی و حکومت دینی پیش‌بینی جاذبه و دافعه منطقی در چارچوب و معیارها و شاخص‌ها از الزامات یک جریان اسلامی است. مسئله تولی و تبری و ارتباط به جریان‌های خودی به ویژه حرکت بر محوریت رهبری و پرهیز و مرزبندی با جریانهای غیر خودی جزء مبانی اعتقادی و رفتاری است.

۲/۵. راه‌های شناخت ماهیت احزاب و تشکلهای

اگر چه به طور معمول ماهیت یک حزب و تشکل سیاسی را از طریق اساسنامه و مرامنامه (به عنوان شناختنامه) آن گروه می‌شناسند، اما با توجه به فراز و نشیب‌ها و پیروزی و شکستهایی که رخ می‌دهد و حوادث مهمی که در کشور اتفاق می‌افتد، بهترین راه برای دستیابی به ماهیت احزاب و گروه‌ها، همانا مراجعه به بیانیه‌ها، مواضع و عملکرد آنان در قبال حوادث و متغیرها و بررسی میزان انطباق دیدگاه‌ها و مواضع و عملکرد اعضا با اساسنامه و مرامنامه می‌باشد. چه بسا احزاب و گروه‌هایی در آغاز حرکت دارای مبانی اعتقادی و دیدگاه خاصی بوده و در بستر زمان دچار واخوردگی و استحاله و عدول از مواضع قبلی گردیده‌اند. بنابراین ارزیابی محتوای بیانیه‌ها، مواضع دبیرکل و شورای مرکزی یک حزب و عملکرد آن در بستر زمان مبین همسویی و همراهی با اصول و مبانی و برخورداری از شاخص‌های اصلی حزب و گروه خواهد بود.

۳. روش و جهت‌گیری پژوهش

روش و شیوه پژوهش توصیفی و میدانی است و بناست مجموعه‌ای از احزاب و تشکلهای مطرح و تأثیرگذار در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی باگرایش‌های متفاوت واکاوی شوند. و با مراجعه به اسناد و مدارک، اساسنامه و مرامنامه، بیانیه‌ها، مواضع صریح و عملکردها در عرصه‌های مختلف و در صورت لزوم و امکان، مراجعه به دبیرکل و شورای مرکزی و طرح پرسشهای مورد نظر، چهره روشنی از تشکلهای احزاب و گرایشهای آنان در معرض آگاهی و ارزیابی پاسداران و بسیجیان نهاده شود تا بتوانند جریانها و تشکلهای باگرایشها و مبانی ناب دینی، و همراه با مبانی و اصول و ضروریات نظام، و همگرا و همسو با خط امام و رهبری معظم انقلاب را از جریانها و تشکلهای دیگراندیش و مدعی خط امام جداکنند و در جهت‌گیری‌ها و حرکت‌ها بتوانند تعامل و جهت‌گیری مناسب را انتخاب نمایند.

از این رو، تدوین تاریخچه و تبیین همه ابعاد و عملکرد یک حزب و یا معرفی و پرداختن به همه زوایای شخصیتی اعضای شورای مرکزی و فرایند شکل‌گیری منظور نبوده است. همچنین سعی بر این بوده که با تکیه بر مستندات، از دایره انصاف خارج نشویم. نکته حائز اهمیت این است که در پاره‌ای موارد، دسترسی به همه منابع و آثار احزاب و تشکلهای مورد بحث، به ویژه آنها که تاریخچه کوتاهی دارند، امکان‌پذیر نبود که به طور طبیعی قصور در اینگونه موارد از ناحیه دست‌اندرکاران قابل‌گذشت خواهد بود.

والسلام

علی سعیدی شاهرودی

www.ketab.ir